

# حقوق اشخاص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی در دادرسی کیفری ۱۳۹۲

حسنعلی مؤذن زادگان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

از صفحه ۷ تا ۴۰

## چکیده

**زمینه و هدف:** پلیس قضایی یا ضابطان دادگستری تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی نقش به‌سزایی در تحقق حقوق و آزادی‌های فردی و نظم و امنیت اجتماعی در فرایند دادرسی کیفری به‌ویژه در مرحله کشف جرم و متعاقب آن تحقیقات پلیسی به عهده‌دارند. در این مقاله ضمن تبیین حقوق مزبور، به ضمانت‌اجراهای نقض آن‌ها که شامل ضمانت اجرای کیفری، انتظامی، مدنی و بطلان است، پرداخته شده است.

**روش تحقیق:** این تحقیق از نظر هدف کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها:** ازجمله وظایفی که پلیس قضایی در انجام تحقیقات پلیسی به عهده‌دارند، رعایت و حمایت از حقوق اشخاص تحت نظر است. این اشخاص که به دلیل اتهام به ارتکاب جرم مشهود دستگیر و در مقر پلیس نگهداری و تحت نظر قرار می‌گیرند، دارای حقوقی قابل توجه برای حراست از حقوق و آزادی فردی هستند. قانون دادرسی کیفری ۱۳۹۲، برای اولین بار در نظام تقنینی ایران، ضمن وضع اصطلاح «اشخاص تحت نظر»، حقوق آن‌ها را از قبیل، حق داشتن وکیل، حق معاینه پزشکی، حق اطلاع‌رسانی به خانواده و آشنایان و ... در مواد ۶۳-۲۸ خود مقرر کرده است.

**نتیجه‌گیری:** پیشنهاد مقاله توصیه اکید به مسئولین قوه قضائیه و نیروی انتظامی کشور برای تدارک زیرساخت‌های اجرای حقوق مزبور و آموزش مستمر پلیس قضایی برای تحقق عینی حقوق مزبور است.

**کلیدواژه‌ها:** اشخاص تحت نظر، تحقیقات پلیسی، پلیس قضایی، جرایم مشهود، بازجویی، ضمانت اجرای کیفری، انتظامی، مدنی و بطلان.

## مقدمه

نظام‌های دادرسی کیفری به منظور اجرای عدالت که باید دو هدف اساسی تحقق نظم عمومی، امنیت ملی و استقلال کشور از یک سو و تأمین حقوق و آزادی‌های فردی از سوی دیگر را برآورده سازند. در این میان، متخصصان متعدد پلیسی و قضایی طی فرایندی معین، با هماهنگی لازم همکاری دارند. مرحله کشف جرم و تحقیقات پلیسی که بنا بر قول علمای دادرسی کیفری، سنگ زیرین دادرسی کیفری را تشکیل می‌دهد و غالباً حقوق و آزادی‌های فردی در این مرحله در معرض تضییع است<sup>۱</sup>، به عهده مأمورانی خاص تحت عنوان پلیس قضایی یا ضابطان دادگستری است.

ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی به مأمورانی اطلاق می‌شود که به موجب قانون تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی در جرایم غیر مشهود یا به حکم مشخص قانون در جرایم مشهود، مبادرت به کشف جرم، حفظ آثار، علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات ابتدایی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی می‌کنند<sup>۲</sup>. اجرای وظایف و اختیارات مزبور که به منظور کشف واقعیت مجرمانه صورت می‌گیرد، طیف وسیعی از اقدامات مغایر با حقوق و آزادی‌های اساسی افراد را شامل می‌شود. اگر اقدامات مزبور به درستی و با جزئیات در قوانین دادرسی کیفری، مشخص نباشد و با ابهام و اجمال همراه بوده و دارای نواقص متعدد از حیث رعایت موازین دادرسی کیفری باشد و به این لحاظ مستلزم نقض حقوق شهروندی شده یا در مبارزه با قانون‌شکنان و ناقضان حقوق اجتماعی ناتوان جلوه کند، موجب بی‌اعتمادی مردم به پلیس و دستگاه قضایی است. برای تحقق اهداف سیاست جنایی مشارکتی که مستلزم همکاری مردم با پلیس برای استقرار عدالت اجرایی است، ناکام خواهیم ماند.

۱- آخوندی، محمود، شناسایی آیین دادرسی کیفری، چاپ چهاردهم، هفت دفتر، انتشارات دوراندیشان، تهران،

۱۳۹۴، دفتر دوم، ص ۷۲

۲- ماده ۲۸ ق.آ.د.ک ۹۲: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، صرفاً ۹ ماده یعنی از ماده ۲۴-۱۵ خود را اختصاص به بیان وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری اختصاص داده بود و باعث ابهام، اجمال و نقص بسیاری در تبیین اقدامات مأمورین مزبور بود. تهیه‌کنندگان قانون دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴، با درک شرایط فوق‌الذکر از ماده ۶۳-۲۸ شامل ۳۵ ماده فصل دوم از بخش دوم قانون را تحت عنوان «ضابطان دادگستری و تکالیف آنان» اختصاص به بیان وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری قرار داده‌اند و از این حیث گام بلندی در رفع نواقص برداشته‌اند.

بخش عمده‌ای از مواد فوق‌الذکر ناظر به حقوق اشخاص تحت نظر در فرایند تحقیقات پلیسی است. این اشخاص، کسانی هستند که در جرایم مشهود توسط پلیس یا به حکم مقام قضایی برای انجام پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات تحت نظارت پلیس قرار گرفته‌اند. هر دودسته ضابطان عام و خاص به شرحی که در ماده ۲۹ قانون مزبور احصاء شده‌اند، در مواجهه با اشخاص تحت نظر، باید حقوق این اشخاص را رعایت کنند، در غیر این صورت در معرض محکومیت‌های کیفری، مدنی و انتظامی قرار می‌گیرند و بعضاً تحقیقات و اقدامات آن‌ها نیز بی‌اعتبار خواهد بود.

اصطلاح «شخص تحت نظر» و تبیین حقوق او از نوآوری‌های قانون دادرسی کیفری ۹۲ است و اجرای این حقوق به تحقق زیرساخت‌های اساسی و آموزش مستمر ضابطان دادگستری توسط مسئولین قوه قضائیه نیاز دارد. در این مقاله، به مفهوم تحقیقات پلیسی، متصدی اجرای آن و شخص تحت نظر به‌عنوان مبنای بحث و تبیین حقوق شخص تحت نظر در مهم‌ترین مرحله تحقیقات پلیسی یعنی مرحله بازجویی و ضمانت اجرای نقض حقوق وی در سه مبحث مجزا پرداخته می‌شود.

**الف) مفهوم تحقیقات پلیسی، متصدی آن و شخص تحت نظر:** در این مبحث مفاهیم اساسی مقاله را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تمییز مرحله تحقیقات پلیسی از تحقیقات مقدماتی، متصدی این مرحله و مفهوم شخص تحت نظر و تمییز آن از واژه «متهم» و «مظنون»، برای تحقیق درباره حقوق اشخاص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱- تحقیقات پلیسی: در کتب آیین دادرسی کیفری مراحل دادرسی کیفری شامل پنج مرحله تعریف شده است، ولی مرحله تحقیقات پلیسی در این مرحله‌ها مشاهده نمی‌شود. مراحل رسیدگی به امر کیفری یا دادرسی کیفری عبارت‌اند از: مرحله کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای احکام جزایی.<sup>۱</sup> شاید نویسندگان آیین دادرسی کیفری این مرحله را در زمره کشف جرم دانسته‌اند. حال آنکه مرحله تحقیقات پلیسی متعاقب کشف جرم است. ابتدا از منابع مختلف مانند شکایت بزه دیدگان، یا گزارش اشخاص یا مشاهدات ضابطان دادگستری در جرایم مشهود، جرمی کشف شده و سپس موضوع تحقیقات پلیسی مطرح می‌شود. شروع تحقیقات پلیسی در دو حالت، مباحثراً از ناحیه ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی<sup>۲</sup> یا به نیابت از قضات توسط مأمورین مذکور انجام می‌شود. تفکیک این موارد را مستند به مواد قانون دادرسی کیفری به شرح ذیل می‌توان احصاء کرد:

• تحقیقات پلیسی به مباشرت از ناحیه پلیس قضایی در جرایم مشکوک: مطابق مفاد ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۹۲ (از این پس ق.آ.د.ک ۹۲ هـ.ش)، هرگاه بر اساس قرائن و امارات موجود، وقوع جرمی محل تردید است یا به عبارت دیگر اطلاعات پلیس قضایی از منابع موثق نیست، تحقیقات پلیسی بدون اطلاع به دادستان آغاز می‌شود. حدود این تحقیقات در ماده مزبور، عدم حق ورود پلیس قضایی در حریم خصوصی شخص مظنون و همچنین عدم امکان احضار یا جلب وی است؛ اما به ماهیت تحقیقات در این ماده اشاره‌ای نشده است. فقط تصریح شده که پلیس قضایی باید قبل از اطلاع به دادستان، تحقیقات لازم را به عمل آورده و نتیجه را به دادستان گزارش دهد. ماده ۲۲ قانون دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸ (از این پس ق.آ.د.ک ۷۸ هـ.ش) نیز ماهیت تحقیقات را مانند ماده ۴۳ قانون سال ۹۲ اعلام نکرده است؛ اما مواد ۲۲ و ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ هـ.ش

۱- آخوندی، محمود، شناسایی آیین دادرسی کیفری، پیشین، دفتر اول، صفحات ۸۷-۸۳

۲- با توجه به این که در تحولات تقنینی آیین دادرسی کیفری در ایران واژه‌های پلیس قضایی، ضابطان دادگستری، ضابطان عدلیه و ضابطان قوه قضاییه، در یک مفهوم استعمال شده‌اند، در مقاله حاضر به تناسب موضوع مقاله از واژه «پلیس قضایی» به جای واژه‌های دیگر استفاده شده است. «برای ملاحظه سیر این تحول «ر.ک» به: آخوندی، محمود،

پیشین، دفتر دوم، صص ۸۲-۸۱

(از این پس ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ هـ.ش) ماهیت تحقیقات پلیسی را شامل تحقیق در صحت و سقم شایعه یا خبر ارتکاب جرم، وجود علائم و یا فقد علائم و آثار جرم، تفتیش و تفحص و استعلامات شفاهی و نظارت مخفی نسبت به اشخاص مظنون بدون ورود در حریم خصوصی او و یا تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی وی می‌دانست. به نظر می‌رسد که می‌توان واژه «تحقیقات لازم» را در ماده ۴۳ ق.د.ک ۹۲ معطوف به موارد مزبور تفسیر کرد.<sup>۱</sup>

• تحقیقات پلیسی به مباشرت از ناحیه پلیس قضایی در جرایم مشهود: با توجه به ماده ۴۵ ق.آ.د.ک ۹۲، جرم مشهود در اصطلاح آیین دادرسی کیفری به جرمی اطلاق می‌شود که در مرئی و منظر پلیس قضایی اتفاق می‌افتد یا قرائن و امارات قویه به فاصله نزدیکی پس از وقوع جرم، در اختیار مأمورین مزبور قرار گیرد. مواد ۴۴ و ۴۶ ق.آ.د.ک ۹۲، اختیارات خاصی در برخورد با جرایم مشهود به پلیس قضایی داده است. مطابق ماده ۴۴، پلیس قضایی به هنگام برخورد با جرایم مشهود باید تمام اقدامات لازم به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی او با سایر متهمان یا شهود و مطلعان جرم به عمل آورند. حسب ماده ۴۶ چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. از مفاد مواد مزبور استفاده می‌شود که در جرایم مشهود، پلیس قضایی بدون فوت وقت و لزوم اخذ دستور از مقام قضایی، امکان تحقیقات قضایی شامل حفظ آلات، ادوات و آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او، بازرسی منازل و اماکن و اشیاء، اخذ اظهارات شهود و مطلعان حاضر

۱- باین حال چنان که در متن ماده ۲۲ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ ملاحظه می‌شود، پلیس قضایی در این دسته از جرایم به هیچ وجه حق ورود به حریم خصوصی اشخاص مظنون را ندارد و از این حیث با قوانین دادرسی ۱۳۹۲ و ۱۳۷۸ هـ.ش تفاوتی ندارد؛ بنابراین اگر مظنون به مفهومی که توضیحی داده شد، مورد توجه مقامات انتظامی کشورمان باشد، اصطلاح «مظنون گیری» که در رویه پلیس شایع است، در صورتی که مفاد آن دستگیری اشخاص مظنون توسط پلیس قضایی بدون وجود حکم قضایی باشد، در مغایرت با ماده ۲۲ ق.آ.د.ک ۷۸ هـ.ش و ۴۳ ق.آ.د.ک هـ.ش است.

در صحنه جرم و نگهداری متهم در صورت ضرورت حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت ضمن تفهیم اتهام با ذکر ادله آن را دارند.<sup>۱</sup>

• تحقیقات پلیسی به نمایندگی از دادستان یا سایر قضات در جرایم غیر مشهود: حسب صدر ماده ۴۴ ق.آ.د.ک ۹۲، پلیس قضایی باید به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود، مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام کند. دادستان پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند.<sup>۲</sup> همچنین به موجب ماده ۹۸، بازپرس می‌تواند در غیر جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به پلیس قضایی ارجاع دهد. انجام تحقیقات پلیسی در موارد مزبور به‌عنوان نمایندگی از ناحیه بازپرس انجام می‌شود. طبق تبصره همان ماده بازپرس می‌تواند در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲، تحقیقات راجع به جرایم مذکور در این بندها را با همکاری پلیس قضایی انجام دهد.<sup>۳</sup>

۱- در این مرحله متهم تحت نظر پلیس قرار می‌گیرد و به لحاظ این که در موقعیت خطیری از حیث سلب حقوق و آزادی واقع شده است، مقنن دادرسی ۹۲ برای اولین بار حقوق قابل توجهی که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، تحت عنوان «حقوق اشخاص تحت نظر» به نفع او لحاظ کرده است.

۲- لازم به یادآوری است که دستور دادستان به پلیس قضایی در این مقطع، صرفاً ناظر به جمع‌آوری ادله به نفع یا ضرر متهم است. این تحقیقات شامل حکم دستگیری نیست. در صورتی که قرائن و شواهد کافی دال بر توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد، از حیث رعایت موازین دادرسی کیفری پرونده برای ادامه تحقیقات از جمله دسترسی به متهم از طریق صدور احضارنامه یا حکم جلب باید به بازپرس ارجاع شود. این مقام حق تحقیق به معنی اخص یعنی انجام اقدامات متضمن سلب حقوق و آزادی‌های فردی را دارد. ماده ۹۲ ق.آ.د.ک ۹۲ قبل از اصلاحات ۹۴، ترتیب مذکور را مقرر کرده بود؛ زیرا قبل از اصلاحات مزبور دادستان فقط در صورت نبودن بازپرس در حوزه قضایی حق انجام تحقیقات مقدماتی و اعطای نمایندگی آن را به پلیس قضایی آن‌هم فقط در غیر جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ همان قانون را داشت. در اصلاحات انجام شده، واژه «نبود» را به «کمبود» تغییر دادند تا دست دادستان برای انجام تحقیقات باز باشد.

۳- ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک ۹۲ مقرر می‌دارد: «به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات؛

ب- جرایم موجب حبس ابد؛

پ- جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دبه کامل یا بیش از آن؛

به طوری که ملاحظه می شود، تحقیقات پلیسی در دو مورد به نحو مباشرت و در یک مورد به نمایندگی از ناحیه قضات توسط پلیس قضایی صورت می گیرد. برای ارائه مفهوم دقیق «تحقیقات پلیسی» به نحوی که سه امر مذکور را در بر داشته باشد، می توان گفت که: تحقیقات پلیسی به آن دسته از تحقیقاتی اطلاق می شود که برای شناسایی و دستگیری متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او، حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم، بازجویی مقدماتی و نگهداری حداکثر به مدت ۲۴ ساعت وی در صورت ضرورت منحصراً در جرایم مشهود یا شناسایی، تحقیق پیرامون وقوع یا عدم وقوع جرم، جمع آوری ادله به طور نامحسوس و بدون تعرض به حریم خصوصی یا حقوق و آزادی های فردی در جرایم مشکوک به حکم قانون توسط پلیس قضایی یا به دستور مقام قضایی به نمایندگی از طرف او در حیطه مقررات مربوط در ارتباط با موارد مزبور، در فرایند دادرسی اعمال می شود.

باید به این نکته توجه داشت که تحقیقات پلیسی متفاوت از تحقیقات مقدماتی است. انجام تحقیقات مقدماتی منحصراً از وظایف بازپرس است. ماده ۹۰ ق.آ.د.ک ۹۲، تحقیقات مقدماتی را به صراحت از سوی مقام قضایی یا دیگر مقامات قضایی مذکور در ماده ۹۲ و تبصره آن ماده امکان پذیر دانسته است؛ بنابراین این که در ماده ۲۸ همان قانون یکی از وظایف پلیس قضایی تحقیقات مقدماتی اعلام شده است، باید

ت- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر؛

ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی».

۱- ماده ۹۰ ق.آ.د.ک ۹۲ مقرر می دارد: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود».

همچنین ماده ۹۲ آن قانون اشعار می دارد: «تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم مستوجب مجازات های مقرر در ماده ۳۰۲ این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و هم چنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این خصوص اظهار نظر کند.

تبصره- در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادرسی در جرایم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می دهد.

آن را حمل بر مسامحه کرد؛ زیرا با توجه به مواد مورداشاره در این مبحث و به‌ویژه ماده ۹۰، اقدام به تحقیقات مقدماتی، وظیفه مقام قضایی است.

۲- متصدی تحقیقات پلیسی: از زمان اولین تصویب قانون دادرسی کیفری تاکنون، مقنن متصدی تحقیقات پلیسی را با «اصطلاح ضابطان دادگستری» معرفی کرده است. در ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ هـ.ش به شرح ماده ۱۹، در ق.آ.د.ک ۷۸ هـ.ش طبق ماده ۱۵ و در ق.آ.د.ک ۹۲ وفق ماده ۲۸، متصدی تحقیقات پلیسی مطابق مفهومی که مطرح شد، ضابطان دادگستری می‌باشند. فقط بر اساس لایحه قانونی پلیس قضایی مصوب سال ۱۳۵۹، مقرر بود که «پلیس قضایی» متصدی انجام تحقیقات پلیسی، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای احکام اعم از حقوقی و کیفری باشد، لیکن در عمل وظیفه پلیس قضایی منحصر به ابلاغ اوراق قضایی و اجرای احکام شد و همچنان امر تحقیقات پلیسی، به عهده ضابطان دادگستری در مفهوم ماده ۱۹ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ هـ.ش، باقی ماند. در حقوق کشورهای عربی نظیر مصر، عراق و سوریه پلیس قضایی به «ضابطان قضایی» ترجمه شد و قانون‌گذار ایران نیز از این رویه استفاده و واژه «ضابطان دادگستری» را از گذشته تا به حال برای متصدی تحقیقات قضایی برگزیده است. قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مصوب سال ۶۹، امر تحقیقات قضایی را به شرح بند ۸ ماده ۴ در زمره وظایف بخشی از نیروی انتظامی به‌عنوان «ضابط قوه قضائیه» که در واقع همان «ضابط دادگستری» است، قرار داده است. از آنچه گذشت، به طوری که علمای آیین دادرسی کیفری استنباط کرده‌اند،<sup>۱</sup> واژه «ضابطان دادگستری»، «ضابط قوه قضائیه» و «پلیس قضایی» مترادف است و هر یک را به جای دیگری می‌توان استعمال کرد.

چنان که قبلاً گفته شد، در این مقاله به تناسب موضوع مقاله که بررسی حقوق اشخاص تحت نظر در تحقیقات پلیسی است، از اصطلاح «پلیس قضایی» استفاده شده است. بخشی از وظایف و اختیارات پلیس قضایی در تحقیقات پلیسی که پیش از این مفهوم آن مطرح شد، ناظر به رعایت حقوق اشخاص تحت نظر در فرایند انجام این

۱- «رک» به منبع ذیل واژه «تحقیقات پلیسی» در همین مقاله



تحقیقات است. در مبحث بعدی به مفهوم «اشخاص تحت نظر» و تفاوت آن با واژه‌های هم‌خانواده یعنی متهم و مظنون پرداخته می‌شود.

۳- مفهوم شخص تحت نظر و تفاوت آن با مفاهیم مشابه: طرح اصطلاح شخص تحت نظر به تبعیت از حقوق فرانسه از نوآوری‌های قانون دادرسی ۹۲ است. اصولاً از مفاد مقررات آیین دادرسی کیفری به‌ویژه صراحت ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک ۹۲ که در ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک ۷۸ و ۱۲۰ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ هـ.ش نیز منعکس بود، استنباط می‌شود که نمی‌توان موجب تضييع حقوق و آزادی فردی احدی از افراد جامعه بدون دلیل کافی شد. از لحظه‌ای که به تشخیص قاضی دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام به فردی وجود داشت، قاضی می‌تواند دستور احضار یا جلب او را برحسب مورد به‌عنوان «متهم» صادر کند. از این ماده استنباط می‌شود که «متهم شخصی است که دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام به او حسب تشخیص قاضی وجود دارد. مفهوم شخص تحت نظر غیر از «متهم» به معنی مزبور است. مفهوم شخص تحت نظر در دو مصداق زیر صدق می‌کند:

- فردی که قاضی پس از بررسی ادله موجود در پرونده، حسب قانون دستور جلب او را صادر کرده است و پلیس قضایی دستور مزبور را اجرا و شخص موردنظر را برای معرفی نزد قاضی دستگیر و تا معرفی به قاضی ضمن رعایت شرایط مقرر حداکثر به مدت ۲۴ ساعت تحت نظر نگهداری کرده است.

- فردی که به لحاظ انتساب ارتکاب جرم مشهود به او، توسط پلیس قضایی دستگیر و برای انجام تحقیقات پلیسی تحت نظر قرار گرفته است و حداکثر باید ظرف مدت ۲۴ ساعت به قاضی معرفی شود. با توجه به این که در هر دو مصداق مزبور، دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام به فرد مورد مزبور وجود دارد، در غیر این صورت قابل دستگیری نیست، شخص تحت نظر به فردی گفته می‌شود که با توجه به ادله موجود نزد قاضی در جرایم غیرمشهود یا نزد پلیس قضایی در جرایم مشهود، متهم شناخته شده و برای انجام تحقیقات پلیسی تحت نظر پلیس قضایی قرار گرفته است.

حال پرسش این است که فرق دو اصطلاح متهم و شخص تحت نظر با مظنون چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت که متهم اعم از شخص تحت نظر است؛ زیرا ممکن

است شخصی به عنوان متهم نزد قاضی یا حتی پلیس قضایی در جرم مشهود شناخته شود و تحت نظر قرار نگرفته باشد. با این توضیح تفاوت دو اصطلاح مزبور با «مظنون» چیست؟

به طوری که در مفهوم تحقیقات پلیسی ملاحظه شد، یکی از اقدامات مربوط به تحقیقات پلیسی حسب ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۹۲ هـ.ش، نسبت به اشخاص مظنون اعمال می شود. اقدامات مزبور به گونه ای است که نباید کمترین آسیبی به حقوق و آزادی های فردی و حریم خصوصی فرد مورد تعقیب وارد کند.

بدین ترتیب، مظنون شخصی است که اطلاعات ناموثق و غیرقابل اتکا علیه وی مبنی بر ارتکاب جرم وجود دارد و نمی توان او را تا تحصیل ادله متقن احضار یا جلب کرده یا وارد حریم خصوصی او شد.

خلاصه کلام این است که شخص تحت نظر اخص از متهم است و ادله کافی مبنی بر توجه اتهام به او وجود دارد، ولی مظنون فردی است که به لحاظ فقد ادله کافی علیه او، امکان هیچ گونه اقدام تعرض به حقوق و آزادی های اساسی او وجود ندارد. به لحاظ موقعیت شخص تحت نظر و این که در این مرحله سرنوشت قضایی او پی ریزی می شود، نظام های دادرسی کیفری، حقوق قابل توجهی به منظور پیشگیری از تعرض به حقوق و آزادی های فردی او یا حقوق دفاعی وی تدارک دیده اند که در مبحث آینده حقوق مزبور را در دو قسمت قبل از شروع به بازجویی و در اثنای آن مورد مطالعه قرار می دهیم.

**ب- حقوق شخص تحت نظر قبل از بازجویی:** به محض این که فردی در دو مصداق مذکور در پاسگاه انتظامی تحت نظر قرار گرفت، حقوق زیر که غالباً از نوآوری های ق.آ.د.ک ۹۲ است، اما در حقوق فرانسه سابقه دارد،<sup>۱</sup> قبل از شروع به بازجویی از او، برای وی مطرح است و وی می تواند از این حقوق برخوردار باشد.

۱- حق داشتن وکیل: در قوانین دادرسی قبل از قانون سال ۹۲، حق داشتن وکیل برای اشخاص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی به صراحت مقرر نشده بود. عدم پیش بینی حق مزبور اعم از نگهداری شخص تحت نظر در جرایم مشهود توسط قاضی

۱- ر.ک به: مواد ۶۵-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، برگردان تدین، عباس، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۱

بود. اگرچه در ماده ۲۵ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ که در قانون دادرسی ۷۸ حذف شد، مقرر شده بود که «اقدامات کمیسرهای نظمیه در مورد دو ماده قبل موافق قواعد و ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است»<sup>۱</sup> و از جمله این ترتیبات، حق داشتن وکیل در تحقیقات به شرح تبصره ماده ۱۱۲ همان قانون بود، اما در عمل اعمال حق مزبور نزد بازپرس یا دادیار تحقیق اعمال می‌شد. نهایتاً وکیل متهم می‌توانست وکالت‌نامه خود را ضمیمه پرونده در مرحله تحقیقات پلیسی کند و حداکثر مطالبی را طی لایحه مرقوم و به مرجع انتظامی ارائه دهد.

در ماده ۴۸ ق.آ.د.ک ۹۲، به وضوح حق داشتن وکیل برای شخص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی مقرر شده است. با این حال در اصلاحات سال ۹۴، مطابق تبصره الحاقی به این ماده، در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک ۹۲ است، اشخاص تحت نظر فقط حق دارند که وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب کنند. جزئیات این حق و نیز حقوق وکیل برای دفاع از حقوق موکل خود در مرحله تحقیقات پلیسی به شرح زیر است:

- آغاز استفاده از خدمات وکیل: این امر در مرحله تحقیقات پلیسی، با شروع تحت نظر قرار گرفتن اوست. به این معنی که وکیل شخص تحت نظر می‌تواند بدون هیچ گونه وقفه‌ای بعد از این که موکل او تحت نظر قرار گرفت، در پاسگاه انتظامی حاضر و با تقاضای شخص تحت نظر، وکالت خود را از او اعلام کرده و با وی ملاقات کند. این حق در کلیه جرایم بدون استثنا مطرح شده است. اگرچه ماده ۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (از این پس ق.آ.د.ک.ف) با شروع تحت نظر حق مزبور را برای شخص مقرر کرده است، اما به تصریح همان ماده و با توجه به ماده ۳-۷۰۶ همان قانون در برخی جرایم مهم مانند توقیف غیرقانونی و جرایم جنایی و جنحه‌ای شدید قوادی در باند سازمان یافته در پایان ۴۸ ساعت بعد از تحت نظر و در جرایم جنایی و جنحه‌ای قاچاق مواد مخدر و اعمال تروریستی در پایان هفتاد و دو ساعت بعد از

۱- مراد از دو ماده ۲۳ و ۲۴ همان قانون است که ناظر به حیطه اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری در جرایم مشهود و غیر مشهود است.

تحت نظر، امکان گفت‌وگو و ملاقات با وکیل وجود دارد.

• مدت ملاقات وکیل: حسب تصریح ماده ۴۸ مدت ملاقات وکیل با شخص تحت نظر حداکثر یک ساعت است. در ماده ۴-۶۳ ق.آ.د.ک.ف این مدت نیم ساعت است. محدودیت مدت ملاقات در قوانین دادرسی عنایت به حقوق بزه دیده و جامعه در فرایند دادرسی کیفری است؛ زیرا اساس پرونده کیفری در مرحله تحقیقات پلیسی پی‌ریزی می‌شود و حضور و ملاقات بی‌قیدوشرط و کلا که اصولاً منافع صرف موکلان خود را مورد توجه قرار می‌دهند، در مرحله مزبور می‌تواند موجب اخلاف در روند جمع‌آوری ادله به‌ویژه حفظ آلات و ادوات و آثار جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی او با سایر متهمان، شهود و مطلعان قضیه باشد و در نتیجه به اجرای عدالت کیفری صدمه جدی وارد کند. اگرچه مطابق ماده ۹۱، تحقیقات مقدماتی و به‌طریق اولی تحقیقات پلیسی باید محرمانه بماند و کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند، موظف به حفظ اسرار آن هستند و در صورت تخلف به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند، لیکن این ضمانت اجرای کیفری نمی‌تواند آثار نامیمون افشای تحقیقات پلیسی و در نتیجه اخلاف در روند تحقیقات را منتفی سازد.

به‌علاوه در حقوق ایران و فرانسه اقدامات ناظر به تحقیقات مقدماتی که حتی نفع متهمان هم به‌منظور حفظ آبرو و حیثیت آن‌ها در آن ملحوظ است،<sup>۱</sup> محرمانه و تفتیشی است. البته لحاظ حق داشتن وکیل در مرحله مزبور و به‌ویژه در تحقیقات پلیسی می‌تواند موجب تضمین بیشتر حق دفاع و روند منصفانه شدن دادرسی کیفری تلقی شود.

• حقوق وکیل در مرحله تحت‌نظر: در ماده ۴۸ آ.د.ک. ۹۲، حقوق وکیل در مدت ملاقات با موکل خود به سکوت برگزار شده است. در ماده ۴-۶۳ ق.آ.د.ک.ف، تصریح شده که وکیل می‌تواند در این مدت از ماهیت و تاریخ وقوع جرم مورد انتساب موکل خود مطلع شود. بدیهی است اطلاع از ماهیت جرم، مستلزم گفت‌وگو با موکل و بررسی

۱- زیرا چه‌بسا انجام تحقیقات پلیسی و یا حتی تحقیقات مقدماتی منتهی به صدور قرار منع تعقیب متهم شود، در این صورت افشای اتهام که موجب هتک حرمت وی شده است، به ضرر وی نیز بوده است.

ادله وقوع جرم مورد انتساب است. در غیر این صورت ملاقات و کیل با موکل در این مدت، امری لغو است؛ بنابراین اگرچه در ماده ۴۸ تصریحی به حق و کیل برای اطلاع از ماهیت اتهام، دلایل آن و تاریخ وقوع جرم نشده است، اما اطلاع به امور مزبور لازمه حق ملاقات و کیل با موکل خود است و از این حیث و کیل می‌تواند در مدت ملاقات از ماهیت اتهام، دلایل آن و تاریخ وقوع جرم مطلع شود تا امکان ارائه دفاعیات لازم را داشته باشد. در هر دو قانون ایران و فرانسه و کیل موظف شده که اصل محرمانه بودن تحقیقات و مذاکراتی که در ملاقات با موکل خود در این مدت تحصیل کرده یا به آن واقف شده است را رعایت کند.

در هر دو قانون ایران و فرانسه به شرح مواد فوق الذکر، وکیل می‌تواند در پایان ملاقات ملاحظات کتبی یا استنباطات خود را از قضیه مطروحه در پرونده یا ماهیت و ادله اتهام در راستای دفاع از موکل خود، به پلیس قضایی یا مرجع قضایی ارائه دهد. این ملاحظات باید در پرونده درج شود.

۲- اعلام تحت نظر گرفتن اشخاص به دادسرا: از جمله حقوقی که اشخاص تحت نظر دارند، اعلام مراتب فوری تحت نظر قرار گرفتن آن‌ها حداکثر ظرف یک ساعت از زمان تحت نظر به دادسرا است. مطابق ماده ۴۷ ق.آ.د.ک ۹۲ «هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد.

چند نکته مهم در این ماده مطرح است. نکته اول این که ماده مزبور مفهوم مخالف ندارد؛ یعنی اگر پلیس قضایی در وقت اداری نیز شخصی را به یکی از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار داد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا احد از معاونان او اطلاع دهد. نکته دوم این که اعلام به دادسرا به هر طریق ممکن باید صورت گیرد. از طریق دورنگار یا پیامک یا پست الکترونیکی یا حضور پلیس قضایی به همراه شخص در دادسرا. آنچه مهم است اطلاع رسانی در ظرف مقرر حداکثر یک ساعت است. نکته سوم این که اثبات اعلام مراتب به دادسرا، حداکثر ظرف یک

ساعت، به عهده پلیس قضایی است؛ بنابراین اگر بین دادستان یا قاضی کشیک و پلیس قضایی اختلاف در اعلام مراتب وجود داشته باشد، اثبات اعلام مراتب به طرق اشاره شده در زمره وظایف پلیس است.

نکته چهارم این است که پلیس قضایی اعم از این که شخص را در مصداق یکی از جرایم مشهود یا به دستور مقام قضایی از طریق صدور برگ جلب، تحت نظر قرار دهد، باید مراتب را ظرف حداکثر یک ساعت به دادستان یا قاضی کشیک اعلام کند. ذکر این نکته ضروری است که پلیس قضایی فقط در دو حالت مزبور می تواند اشخاص را تحت نظر قرار دهد. در جرایم غیرمشهود خواه در وقت اداری یا غیره آن به هیچ وجه بدون حکم کتبی و صریح مقام قضایی حق تحت نظر قرار دادن اشخاص را ندارد. بدیهی است تحت نظر قرار دادن غیرقانونی اشخاص می تواند از جمله مصادیق توقیف غیرقانونی تلقی و پلیس قضایی را موضوع تعقیب کیفری قرار دهد.<sup>۱</sup>

از ماده ۴۹ ق.آ.د.ک ۹۲ استنباط می شود که صرف اعلام تحت نظر قرار گرفتن شخص به علت یکی از عناوین مجرمانه به دادسرا کافی نیست. به علاوه لازم است مشخصات سجلی (نام، نام خانوادگی، شهرت، نام پدر، محل تولد و سال تولد)، شغل، نشانی اعم از محل اقامت و کار و علت تحت نظر قرار گرفتن نیز به دادسرای محل اعلام شود. علت تحت نظر قرار دادن اشخاص در یکی از دو حالت زیر است:

- تحت نظر قرار دادن به لحاظ اتهام ارتکاب به یک جرم مشهود؛
- تحت نظر قرار دادن به لحاظ دستور کتبی و صریح قاضی در قالب صدور برگ جلب؛

۳- حق اطلاع رسانی به خانواده یا آشنایان: در نظام دادرسی منصفانه به محض این که شخصی بر اساس ادله قابل قبول تحت تعقیب قرار گرفته و آزادی وی سلب شد، حق دارد که افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر قرار گرفتن خود در مرجع انتظامی یا قضایی مطلع سازد. این حق نه تنها از حیث حقوق فردی، بلکه به

۱- ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی «بخش تعزیرات» مقرر می دارد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی صلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفسال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

لحاظ تأمین آرامش و آسایش خانواده یا آشنایان شخص تحت نظر به‌عنوان حقی اجتماعی واجد ارزش فراوان است. این امر موجب جلب اعتماد شهروندان نسبت به دستگاه عدالت کیفری است؛ زیرا عدم اطلاع بستگان یا آشنایان از وضعیت نزدیکان خود، اگرچه به مدت قلیلی باشد، موجب تشست فکر و تشویق خاطر آن‌هاست. دستگاه عدالت کیفری باید بیش از هر سازمان دیگر به حقوق و آزادی‌های فردی حساس باشد.

در قوانین دادرسی کیفری قبل از سال ۱۳۹۲، فقط بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۸۳ به این نکته تصریح داشت که پلیس قضایی پس از دستگیری اشخاص باید خانواده آن‌ها را در جریان دستگیری قرار دهد. ماده ۵۰ ق.آ.د.ک ۹۲ نه تنها حق شخص تحت نظر را به هر وسیله ممکن از قبیل تلفن برای آگاه ساختن خانواده یا آشنایان خود از موضوع تحت نظر بودن خود تصریح کرده است، بلکه پلیس قضایی را مکلف نموده تا مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورد.

از مفاد ماده مزبور استنباط می‌شود که نه تنها پلیس قضایی نمی‌تواند مانع حق شخص تحت نظر برای آگاه ساختن افراد خانواده یا فامیل خود از طریق تلفن همراه یا ثابت، پیامک، پست الکترونیکی، دورنگار مستقیماً یا به طریق غیرمستقیم از طریق افراد یا وسیله دیگر شود، بلکه باید مساعدت لازم را در این زمینه مبذول دارد. به‌عنوان مثال تلفن ثابت پاسگاه را در اختیار او قرار دهد یا امکان ارسال پیامک را در صورتی که تلفن همراه نداشته باشد، از طریق تلفن دیگر فراهم سازد.

در صورتی که پلیس قضایی به لحاظ ضرورت کشف حقیقت و جلوگیری از اخلال در این هدف، تشخیص دهد که شخص تحت نظر نمی‌تواند از حق مزبور استفاده کند، باید از مقام قضایی کسب تکلیف نموده و بر اساس دستور او اقدام کند.

چند نکته در ارتباط با اعمال حق مزبور توسط شخص تحت نظر مطرح است. نکته اول این که مفهوم خانواده شامل کدام یک از نزدیکان شخص تحت نظر است؟ با توجه به اطلاق این واژه در ماده ۵۰ اخیرالذکر مفهوم خانواده شامل خانواده نسبی یعنی کلیه وارثان شخص تحت نظر در همه طبقات و خانواده سببی ناشی از ازدواج است و

نمی‌توان آن را مقید به افراد خاصی در خانواده‌های مزبور دانست. ممکن است تصور شود که با توجه به ذیل ماده ۴۹ ق.آ.د.ک ۹۲، مراد از خانواده، والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر شخص تحت‌نظر است و لاغیر؛ اما برداشت مزبور صحیح نیست؛ زیرا با استنباط از ماده مزبور، اطلاع‌رسانی به افراد خانواده به شرح فوق‌الذکر از جمله تکالیف دادرسی محل یا رئیس کل دادگستری استان برحسب مورد است و ارتباطی به حق استقلالی شخص تحت‌نظر در خصوص آگاه ساختن افراد خانواده یا آشنایان از وضعیت تحت‌نظر بودن خود به‌طوری‌که در ماده ۵۰ ملاحظه شد، ندارد؛ زیرا مطابق ذیل ماده ۴۹، ... والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر اشخاص تحت‌نظر می‌توانند از طریق مراجع مزبور (دادرسی محل یا رئیس کل دادگستری استان) از تحت‌نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت‌نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت‌نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

بنابراین از سیاق مواد ۵۰ و ۴۹ استفاده می‌شود، اولاً افراد خاص مذکور اعم از این‌که شخص تحت‌نظر وفق ماده ۵۰ آنان را از وضعیت خود مطلع کرده یا اطلاع‌رسانی نکرده باشد، حق دارند که از طریق دادرسی محل یا رئیس کل دادگستری استان نسبت به وضعیت او آگاهی یابند. ثانیاً مراجع مزبور با رعایت حیثیت اجتماعی و خانوادگی شخص تحت‌نظر، مکلف به ارائه اطلاعات لازم درباره شخص تحت‌نظر به آن‌ها می‌باشند. موارد مزبور ارتباطی به حق استقلالی شخص تحت‌نظر از وضعیت خود برای عموم خانواده و یا آشنایان خود ندارد.

اگر اشخاص تحت‌نظر افراد خاص خانواده خود که در ذیل ماده ۴۹ تصریح شده را از وضعیت خود آگاه سازند، مقامات مذکور در ماده ۴۹ نمی‌توانند به بهانه این‌که اطلاع‌رسانی از وضعیت این اشخاص با حیثیت اجتماعی و خانوادگی آنان منافات دارد، از دادن اطلاعات لازم به افراد خاص خانواده استنکاف ورزند.

نکته دوم این است که هرچند تصمیم قاضی به شرح ماده ۴۹ برای عدم برخورداری از حق آگاه‌سازی خانواده یا آشنایان امری مطلوب است و پلیس قضایی در این زمینه نمی‌تواند رأساً اتخاذ تصمیم کند، اما قابل‌اعتراض بودن تصمیم قاضی



در مرجع عالی قضایی دیگر امری لازم بوده که مقنن از آن غفلت ورزیده است؛ زیرا چنان که گفته شد، حق اطلاع رسانی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است و اهمیت رعایت این حق ایجاب می کند که تصمیم قاضی قابل اعتراض و رسیدگی در یک مرجع عالی قضایی باشد.

نکته سوم این که مقنن مصادیق ضرورت عدم دسترسی شخص تحت نظر را که بر مبنای آن پلیس قضایی و قاضی می توانند به آن تمسک بسته و مانع ارتباط شخص با خانواده یا فامیل شوند، به ابهام رها کرده و این امر می تواند باب وسیعی در جلوگیری از ارتباط شخص تحت نظر با خانواده یا آشنایان باز کند. حق اعتراض نه تنها در ماده ۵۰ نسبت به تصمیم قاضی برای شخص تحت نظر مقرر نشده است، بلکه این حق در مورد والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر شخص تحت نظر نیز در ماده ۴۹ برای آنان مقرر نشده است.

۴- حق معاینه پزشکی: یکی دیگر از حقوق مهمی که مقنن برای اشخاص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی برای اولین بار در نظام دادرسی ایران مقرر کرده، حق معاینه پزشکی به شرح ماده ۵۱ ق.آ.د.ک ۹۲ است.

فلسفه لحاظ حق مزبور برای اشخاص تحت نظر تجربه تلخ واقعیت های تاریخی در اعمال تحقیقات جنایی توسط قضات و پلیس قضایی است. این امر در سابقه تاریخ تحقیقات جنایی ثبت است که در مدتی طولانی از تاریخ بشریت و به ویژه در حکومت های دیکتاتوری دوران قرون وسطی در اروپا، اذیت و آزار جسمی و روحی متهمان در فرایند تحقیقات پلیسی امری عادی و قانونی بوده است. هر چند در متون مذهبی شکنجه متهمان امری مذموم و حرمت آن موضوعی مسلم و مفروغ عنه است، اما حتی در حکومت های مدعی مذهب اموی و عباسی نیز شکنجه متهمان امری رایج بوده است.<sup>۱</sup>

از زمانی هم که حسب توصیه منابع مذهبی، اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر و قوانین اساس کشورها به کلیه حکومت ها توصیه اکید شده که از شکنجه متهمان

۱- مؤذن زادگان، حسنعلی، حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳، صص ۴۰ و ۴۶.

در فرایند دادرسی خودداری کنند، همچنان تردیدی جدی برای تمکین به این منع انسانی وجود دارد. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند ۷ ماده واحد احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مواد ۶۰ و ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۹۲، هرگونه شکنجه جسمی و روحی متهمان را در فرایند تحقیقات منع کرده‌اند. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، شکنجه‌گر را قابل تعقیب کیفری دانسته و برای رفتار شکنجه جرم‌انگاری کرده است.

ماده ۵۰ ق.آ.د.ک ۹۲ به منظور پیشگیری از اعمال شکنجه در تحقیقات پلیسی یا طرح ادعای آن از ناحیه اشخاص تحت نظر، مقرر کرده است که «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». نکته اول در این ماده تبیین مفهوم «بستگان نزدیک شخص تحت نظر» است.

اگرچه ماده مزبور مصادیق بستگان نزدیک را مشخص نکرده است و چه بسا دادستان با ادعای بستگان دور از پذیرفتن تقاضای بستگان برای انجام معاینه پزشکی خودداری کند، اما می‌توان با توجه به ذیل ماده ۴۹ که پیش از این موضوع مورد بحث قرار گرفت، حداقل بستگان نزدیک را «والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر» شخص تحت نظر قلمداد کرد. بدیهی است که نوه یا فرزندان خواهر و برادر می‌توانند به قائم‌مقامی پدران خود تقاضای معاینه پزشکی داشته باشند.

نکته دوم این که اگرچه در متن ماده لزوماً تعیین پزشک از طریق دادستان مقرر شده است، اما معاونان دادستان‌ها نیز در صورت غیبت دادستان باید به تعیین پزشک مورد درخواست شخص تحت نظر یا بستگان نزدیک او اقدام نمایند.

نکته سوم این که پلیس قضایی موظف به پذیرش درخواست شخص تحت نظر یا بستگان نزدیک وی است و نمی‌تواند از پذیرش این درخواست استنکاف نماید. البته این درخواست باید به نظر دادستان برسد.

نکته مهم دیگر این است که شخص تحت نظر یا بستگان نزدیک او می‌توانند قبل از بازجویی پلیس درخواست معاینه پزشکی داشته باشند. در صورت این درخواست،

پلیس قضایی و دادستان یا معاون او نمی‌تواند رسیدگی به درخواست را به زمان اثنای بازجویی و یا بعد از آن موکول کنند؛ زیرا فلسفه معاینه پزشکی اطمینان از صحت جسمی و روحی شخص تحت نظر برای پیشگیری از شکنجه توسط پلیس قضایی یا ادعای طرح آن توسط اشخاص تحت نظر است و چون اعمال آن نوعاً در شروع و اثنای بازجویی به عمل می‌آید، به تعویق انداختن آن پس از بازجویی نقض غرض محسوب می‌شود.

تأکید این نکته ضروری است که حق درخواست معاینه پزشکی فقط منحصر در زمان تحت نظر گرفتن اشخاص در جرایم مشهود نیست، بلکه هرگاه اشخاص به دستور مقامات قضایی برای انجام تحقیقات مقدماتی دستگیر شوند، در مدت تحت نظر می‌توانند از این حق و سایر حقوق دیگر مندرج در قانون برای اشخاص تحت نظر، استفاده کنند.

در حقوق فرانسه نه تنها شخص تحت نظر یا یکی از اعضای خانواده او به شرح ماده ۳-۶۳ قانون دادرسی کیفری آن کشور حق درخواست معاینه پزشکی دارند، بلکه در صورت عدم وجود این تقاضا، دادستان شهرستان یا افسر پلیس قضایی نیز می‌توانند رأساً یک پزشک برای معاینه شخص تحت نظر انتخاب کنند. در این کشور افسر پلیس قضایی نیز همانند دادستان حق تعیین پزشک را برای معاینه شخص تحت نظر دارد. در قانون هر دو کشور ایران و فرانسه، گواهی پزشک باید در پرونده ثبت و ضبط شود.

**۵- حق تفهیم حقوق اشخاص تحت نظر:** از جمله نوآوری‌های ق.آ.د.ک ۹۲ در مرحله تحقیقات پلیسی، لزوم تفهیم حقوق اشخاص تحت نظر است. طبق ماده ۵۲ قانون مزبور «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

با توجه به این که حقوق اشخاص تحت نظر و تکلیف پلیس قضایی به تفهیم حقوق مزبور برای این اشخاص در نظام دادرسی کیفری ایران سابقه نداشته است، دستگاه عدالت کیفری باید زیرساخت‌های لازم را برای اعمال آن فراهم کند. به این معنی که

اولاً با برگزاری دوره‌های آموزشی بدو و ضمن خدمت اهمیت حقوق مزبور و مصادیق هر یک را به نحو تفصیلی به پلیس قضایی آموزش دهد و ثانیاً فهرستی از این حقوق تهیه و برای پاسگاه‌های انتظامی چاپ و توزیع نماید. این آموزش و تهیه فهرست حقوق می‌تواند کمک شایان توجهی در اجرایی شدن هدف مقنن برای تأمین حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر تلقی شود.

تفہیم حقوق اشخاص تحت نظر به معنی به درک عمیق رساندن حقوق این اشخاص در زمان تحت نظر است؛ زیرا تفہیم یعنی درک عمیق و بیان یا اعلام سطحی این حقوق به اشخاص تحت نظر به نحوی که نتواند به درستی پیام پلیس قضایی را بفہمد فاقد کارایی و تأمین نظر مقنن است.

اگر اشخاص تحت نظر به زبان فارسی آشنا نبوده یا ناشنوا بوده یا قدرت تکلم نداشته باشند، باید پلیس قضایی برای آنان مترجم رسمی انتخاب کند و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی مترجم مورد وثوق انتخاب نماید. مترجم باید سوگند یاد کند که راست‌گویی و امانت‌داری را رعایت می‌نماید.<sup>۱</sup>

ممکن است تصور شود، این موارد در زمره تکالیف بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی است و ارتباطی به تحقیقات پلیسی ندارد؛ اما باید دانست که به موجب ماده ۶۱ ق.آ.د.ک ۹۲ «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است»؛ بنابراین اگرچه حق داشتن مترجم برای اشخاص تحت نظر در مواد ناظر به اشخاص مزبور مقرر نشده است، اما با توجه به صراحت ماده اخیرالذکر، تعیین مترجم از جمله حقوق مسلم این اشخاص در موارد اشاره شده است.

فهرست حقوق اشخاص تحت نظر که باید به وسیله پلیس قضایی قبل از تفہیم اتهام برای آن‌ها تبیین شود، به شرح ذیل است:

- حق داشتن وکیل؛
- حق اطلاع به خانواده یا آشنایان از وضعیت وی؛
- حق اعلام مراتب تحت نظر قرار دادن به دادسرای محل؛

- حق معاینه پزشکی؛
- حق تفهیم حقوق او در زمان تحت نظر؛
- حق منع شکنجه جسمی و روحی و توهین و تحقیر در اثنای بازجویی و تحت نظر یا حق آزادی بیان در گفتار و نوشتار پیرامون دفاع از اتهام وارده؛
- حق منع پرسش‌های خارج از اتهام یا حق پرسش‌های مربوط به اتهام وارده؛
- حق ثبت تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی در اوراق صورت‌مجلس؛
- حق سکوت یا امتناع از پاسخگویی به پرسش‌ها<sup>۱</sup>؛
- حق داشتن مترجم در صورت عدم آشنایی به زبان فارسی و یا ناشنوایی و یا عدم داشتن قدرت تکلم.

علاوه بر این که پلیس قضایی مکلف به تفهیم حقوق اشخاص تحت نظر به شرحی است که فهرست آن مطرح شد، باید پس از تفهیم این حقوق، به صورت مکتوب در اختیار او قرار داده و رسید دریافت کنند و این رسید ضمیمه پرونده شود. بدیهی است که این رسید باید به امضاء شخص تحت نظر رسیده و در صورت عدم امضاء، اثرانگشت او در ذیل رسید اخذ شود. اگرچه قانون‌گذار در ماده ۵۲ موضوع لزوم اخذ امضاء یا اثرانگشت را تصریح نکرده است، اما اخذ رسید بدون امضاء از نظر عرف اداری و قضایی امری غیرمعقول است. به عبارت دیگر لازمه رسید از شخص تحت نظر، اخذ امضاء یا اثرانگشت او، در ذیل فهرست حقوق مکتوب به او است.

**ج- حقوق اشخاص تحت نظر در بازجویی:** بازجویی رکن اساسی تحقیقات پلیسی است. هدف از بازجویی تشخیص اتهام صحیح از نارواست. کشف حقیقت واقعه مجرمانه برای اتخاذ تدابیر لازم آیین دادرسی کیفری درباره متهم امری ضروری است. بازجویی مرکز ثقل تحقیقات پلیسی است. درعین حال بازجویی وسیله‌ای است که برای رعایت حق دفاع متهم مقرر شده است. در تعریف بازجویی به طور خلاصه می‌توان گفت که «بازجویی پرسش‌های قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم به منظور کشف حقیقت مجرمانه و تضمین حق دفاع است».

۱- ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک ۹۲ مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود».

۱- تضمینات حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر قبل از شروع به بازجویی: با توجه به اهمیت امر بازجویی به شرحی که توضیح داده شد، قوانین دادرسی کیفری مجموعه‌ای از تضمینات را به منظور حمایت از حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر مقرر کرده‌اند. رعایت این تضمینات به منظور اطمینان از صحت تحقیقات پلیسی امری ضروری است. پلیس قضایی باید این تضمینات را رعایت کند. اعتماد مردم به پلیس منوط به مشاهده عینی آن‌ها توسط پلیس است. با توجه به ق.آ.د.ک ۹۲ اهم تضمینات رعایت حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر قبل از شروع به بازجویی عبارت است از:

• **ضرورت وجود دلایل اتهام:** اصل برائت اقتضاء دارد که هیچ‌کس نزد مقامات انتظامی و قضایی مجرم شناخته نشود، مگر این‌که حسب دلایل کافی اتهام او نزد مقامات مزبور ثابت باشد. پلیس قضایی رأساً در جرایم مشهود حسب حکم قانون یا به دستور مقامات قضایی، بااراده بازجویی از اشخاص تحت نظر، باید دلایل کافی در اختیار داشته باشد؛ زیرا به طوری که از بندهای مختلف ماده ۴۵ ق.آ.د.ک ۹۲ راجع به جرم مشهود مشاهده می‌شود، در کلیه این موارد که پلیس قضایی امکان دستگیری، تحت نظر قرار دادن و بازجویی از اشخاص را دارد، قرائن و شواهدی باید دلالت بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

۱- ماده ۴۵ مقرر می‌دارد: «جرم در موارد زیر مشهود است: الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

هرگاه پلیس قضایی نیز به دستور مقام قضایی متعاقب احضار یا جلب متهم قصد بازجویی از شخص تحت نظر را داشته باشد، وجود دلایل کافی فرض است؛ زیرا به استناد ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک ۹۲، مقام قضایی نمی تواند کسی را احضار یا جلب کند، مگر این که دلایل کافی وجود داشته باشد.

پلیس قضایی باید برای شروع بازجویی از اشخاص تحت نظر، پرونده امر را به دقت مطالعه کند و مستند به قرائن و شواهد موجود در پرونده اراده بازجویی کند؛ بنابراین بازجویی از اشخاص مظنون به شرحی که در صفحات قبل به مفهوم آن پرداخته شد، امری غیرقانونی و برخلاف اصول دادرسی منصفانه است.

• **ثبت هویت شخص تحت نظر:** مطابق صراحت ماده ۴۹ ق.آ.د.ک ۹۲، پلیس قضایی مکلف است حداکثر ظرف یک ساعت مشخصات سجلی، شغل و نشانی شخص تحت نظر را در پرونده امر ثبت کنند. به موجب ماده ۶۱ ق.آ.د.ک ۹۲ «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است».

طبق ماده ۱۹۳ قانون مزبور در مرحله تحقیقات مقدماتی، مشخصات هویت شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزند، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری در موارد ضروری و مرتبط، نشانی محل سکونت و کار، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کد پستی منزل، شماره ملی، پیامنگار (ایمیل) و شماره تلفن ثابت و همراه است. ثبت هویت باید به نحوی باشد که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به شخص تحت نظر به آسانی مقدور باشد.

پلیس قضایی باید در رابطه با موضوع مزبور به شخص تحت نظر تفهیم کند که:

- محلی که برای اقامت خود اعلام کرده است، محل اقامت قانونی او است؛
- اگر محل اقامت را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد،

تبصره ۱- چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

تبصره ۲- ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.»

اعلام کند؛

- در صورت تغییر محل اقامت و عدم اعلام مراتب، احضاریه و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می شود.

- تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی ابلاغ می شود.<sup>۱</sup>

• تذکر به مواظبت در اظهارات: پلیس قضایی مکلف است که مستند به ماده ۶۱ اخیرالذکر و ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۹۲ به شخص تحت نظر اعلام کند که «مواظب اظهارات» خود باشد. تفهیم مواظبت در اظهارات از حیث اهمیت و آثار بازجویی است. شخص تحت نظر باید آگاه باشد که اظهارات نسجیده و به دوراز حزم و احتیاط، موجبات گرفتاری او را فراهم می کند. چه بسا اظهارات ناصواب باعث هتک حرمت و حیثیت آن ها شود.

تذکر به اظهارات باید به صورت شفاهی و با هشدار توأم باشد؛ زیرا «تذکر» از ریشه «ذکر» و دلالت بر بیان شفاهی دارد؛ بنابراین تکلیف پلیس قضایی نسبت به امر مذکور از طریق در اختیار گذاشتن فرم بازجویی که در آن به نحو چاپی قید شده است، «مواظب اظهارات خود باشید» ساقط نمی شود. در حقوق انگلیس پلیس باید به شخص تحت نظر اعلام کند که هر مطلبی بیان کند، ثبت می شود و ممکن است که به عنوان دلیل علیه او استفاده شود. روح هر دو عبارت در حقوق ایران و انگلیس یکی است.<sup>۲</sup>

• تفهیم اتهام با ارائه ادله آن: مطابق صراحت مواد ۴۶ و ۵۳ ق.آ.د.ک ۹۲، پلیس قضایی به هنگام تحت نظر قرار گرفتن اشخاص به هنگام بازجویی سه امر مهم را مورد توجه قرار دهد:

- تفهیم موضوع اتهام و ادله آن بلافاصله به نحو کتبی؛

- ثبت اظهارات شخص تحت نظر در صورت مجلس؛

- اخذ امضاء یا اثرانگشت شخص تحت نظر. لازم به یادآوری است که وفق تبصره ماده

۱- ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک ۹۲



۵۳، «در این ماده و سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضاء یا اثرانگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثرانگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضاء نباشد». اخذ امضاء یا اثرانگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثرانگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضاء نباشد. باید دانست که تفهیم اتهام و ارائه ادله آن از باب رعایت حق دفاع شخص تحت نظر و حمایت از اصل برائت است. حق دفاع در زمره حقوق طبیعی است و به هیچ نحو نقض آن قابل قبول نیست. تفهیم از ریشه «فهم» و این واژه به معنی «درک عمیق» است. اگر شخص تحت نظر فارسی نداند، پلیس قضایی باید مستند به ماده ۲۰۰ ق.آ.د.ک ۹۲ «مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راست‌گویی و امانت‌داری را رعایت کند...».

در صورتی که شخص تحت نظر ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، به موجب ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک ۹۲ باید به همان ترتیب برای او کارشناس مورد وثوق انتخاب شود.

۲- تضمینات حقوق دفاعی شخص تحت نظر در اثنای بازجویی: این تضمینات که توسط پلیس قضایی در اثنای بازجویی باید رعایت شود، به شرح ذیل است:

- حق سکوت در پاسخ به پرسش‌ها: یکی از حقوق اشخاص تحت نظر که در مرحله تحقیقات مقدماتی به آن تصریح شده و پلیس قضایی با استناد به ماده ۶۱ ق.آ.د.ک ۹۲، مکلف به رعایت آن است، حق سکوت است. به موجب ماده ۱۹۷ قانون اخیرالذکر «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود».

در نظام دادرسی کیفری برخی کشورها مانند انگلستان، آمریکا و فرانسه نه تنها «حق سکوت» مقرر شده است، بلکه این حق باید به شخص تحت نظر اعلام شود.<sup>۱</sup>

در لایحه آیین دادرسی کیفری این حق مقرر شده بود، اما به طوری که در ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک ۹۲ ملاحظه شد، اصل حق پذیرفته شد، اما اعلام آن به شخص تحت نظر حذف شد.

1-Prichard, John, Ibid, p.662 and kadish, Sanford H, criminal Law its processes, tronto, 1975, p.944

• حمایت از آزادی و حیثیت شخص تحت نظر در حین بازجویی: حمایت از آزادی اشخاص تحت نظر در اثنای بازجویی تحقیقات پلیسی مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی است. سلب آزادی اشخاص تحت نظر موجب بی‌اعتباری تحقیقات پلیسی است. ماده ۶۰ ق.آ.د.ک ۹۲ حمایت از آزادی و حیثیت اشخاص تحت نظر را به هنگام بازجویی از طریق منع اعمال یا روش‌های زیر تضمین کرده است:

- پرسش‌های توأم با اجبار و اکراه: این پرسش‌ها از مصادیق بارز تجاوز به حقوق دفاعی است. اکراه یا اجبار معمولاً برای اخذ اقرار از طریق شکنجه‌های جسمی یا روحی صورت می‌گیرد. واژه شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر روش‌های موهن در اثنای تحقیقات و بازجویی مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد به هر عملی اطلاق می‌شود که از سوی مأمور دولت عمداً درد یا رنج جانکاه جسمی یا روحی در اثنای بازجویی برای اقرار یا کسب اطلاع به شخص وارد کند.<sup>۱</sup>

علاوه بر ماده ۶۰ اخیرالذکر، اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳، پرسش‌های توأم با اجبار یا اکراه را که اصولاً از طریق شکنجه‌های جسمی یا روحی انجام می‌شود، ممنوع اعلام کرده‌اند.

مفهوم شکنجه جسمی روشن و ناظر به اذیت و آزارهای وارده به جسم آدمی است؛ اما شکنجه‌های روحی از قبیل طولانی کردن زمان بازجویی، خسته کردن اعصاب و روان شخص تحت نظر، بدون این که در این فاصله بازجویی‌ها امکان استراحت و تمدد اعصاب به او داده شود، گرسنگی و تشنگی دادن او در اثنای بازجویی است.

- منع پرسش‌های القایی: طرح پرسش‌های تلقینی می‌تواند مؤثر به روحیه افراد تأثیرگذار باشد. طرح این گونه پرسش‌ها نه تنها بر روحیه افراد ضعیف‌النفس، بلکه در افراد عادی نیز مؤثر واقع شده و به جرم ناکرده اعتراف می‌کنند.<sup>۲</sup>

در پرسش تلقینی، نوع پرسش به گونه‌ای است که افراد را به پذیرش اتهام تحریک

۱- امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر (قسمت اول اسناد جهانی)، ج ۱، تهران، دانشگاه شهید

بهشتی، ص ۴۹۷.

۲- حکمت، سعید، روان پزشکی کیفری، تهران، ۱۳۷۰، انتشارات گوتنبرگ، ص ۹۸.

یا سوق می‌دهد. پاسخ پرسش در آن نهفته است. مثلاً به جای آن که سؤال کنند: اتهام سرقت اتومبیل به استناد قرائن و شواهدی از قبیل اظهارات شهود و کشف مال مسروقه در اختیار به تو تفهیم می‌شود، دفاع شما چیست؟ این گونه سؤال می‌کنند که: اتومبیل با مشخصات فلان را که سرقت کردی در کجا مخفی نموده‌ای یا فروخته‌ای؟

– اغفال شخص تحت نظر: اغفال یا فریب اشخاص تحت نظر از روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. هر روشی که از طریق خدعه یا فریب توسط مأموران، شخص تحت نظر را به اقرار نسبت به اتهام وارده سوق دهد، موجب اخلال به حقوق دفاعی است. به‌عنوان مثال هرچند طبق ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۹۲ پلیس قضایی می‌تواند ضمن تفهیم اتهام به همراه قرائن و شواهد آن، به شخص تحت نظر اعلام کند که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد، اما نمی‌تواند به‌طور قاطع وعده تخفیف مجازات از سوی دادگاه را به او بدهد. وعده اخیر از جمله مصادیق اغفال یا فریب است.

• منع تعرض به حیثیت شخص تحت نظر: اصل رعایت کرامت و حیثیت انسانی اشخاص در کلیه مراحل دادرسی کیفری از جمله تحقیقات پلیسی که در اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی<sup>۱</sup> و ماده ۴ ق.آ.د.ک ۹۲ مقرر شده، پلیس قضایی را مکلف می‌کند که در فرایند تحقیقات پلیسی از هرگونه روشی که موجب صدمه به اصل مزبور باشد، اجتناب ورزد. این‌گونه اعمال اعتماد مردم را به پلیس به شدت مخدوش می‌سازد. به این لحاظ، استفاده از کلمات موهن، به شرح مقرر در ماده ۶۰ قانون اخیرالذکر و تحقیر و استخفاف اشخاص تحت نظر در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق مستند به بند ۶ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی منع شده است.

• منع تعرض به امور حریم خصوصی بی‌ارتباط به جرم: هرگاه پلیس در اجرای وظیفه بازجویی و متعاقباً بازرسی‌ها و معاینات محلی، اسناد و مدارک و اشیاء، نامه‌ها و

۱- اصل ۳۹ مقرر می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

نوشته‌ها، عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی غیرمرتبط به جرم مورد بازجویی را کشف کند، اگر دارای عنوان مجرمانه نباشد، ابداً نباید بازبینی شده و ضبط شود.<sup>۱</sup> حتی در صورتی که مدارک و اشیاء مزبور دارای عنوان مجرمانه باشد، با توجه به مفهوم مخالف ماده ۵۷ ق.آ.د.ک ۹۲، چنانچه عنوان مجرمانه مزبور تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی نباشد، نباید مورد بازبینی واقع شده و ضبط شود.

• الزامات ثبت ویژگی‌های اساسی پیشگیری از شکنجه در اثنای بازجویی: همان‌گونه که به هنگام منع اجبار یا اکراه از طریق شکنجه گفته شد، از جمله مصادیق شکنجه روحی، طولانی کردن بازجویی‌ها و عدم لحاظ استراحت برای اشخاص تحت‌نظر به هنگام بازجویی است.

از جمله نوآوری‌های ق.آ.د.ک ۹۲، ارائه طریق برای پیشگیری از وضعیت اسفناک مزبور است.

بهموجب ماده ۵۳ قانون اخیرالذکر پلیس قضایی مکلف است که:

- تاریخ، ساعت آغاز و پایان بازجویی را در صورت مجلس قید کند؛

- مدت بازجویی را در صورت مجلس قید کند؛

- مدت استراحت بین دو بازجویی را در صورت مجلس قید کند؛

- تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت‌نظر بودن را در صورت مجلس قید کند؛

همچنین پلیس قضایی باید تاریخ و ساعت معرفی شخص تحت‌نظر را به قاضی در صورت مجلس قید کند. فلسفه امر مزبور رعایت تبصره ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ک ۹۲ به منظور اجتناب از بازداشت غیرقانونی شخص تحت‌نظر توسط پلیس قضایی یا بازپرس حسب مورد است.<sup>۲</sup>

۱- بند ۸ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

۲- ماده ۱۸۹ مقرر می‌دارد: «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده (۹۸) این قانون مبادرت به تحقیق نماید. در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس یا امتناع وی از شروع تحقیقات به دلایل قانونی، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضاء به دادرس دادگاه محول می‌کند.

تبصره- تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.»

همان طور که قبلاً گفته شد، صورت مجلس یادشده باید به امضاء یا اثر انگشت شخص تحت نظر برسد.

د- ضمانت اجرای نقض حقوق اشخاص تحت نظر: نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، پلیس قضایی را در معرض محکومیت‌های کیفری، مدنی، انتظامی و بطلان تحقیقات پلیسی قرار می‌دهد. در این قسمت به اختصار هر یک از ضمانت اجرای مزبور را توضیح می‌دهیم.

۱- ضمانت اجرای کیفری و مدنی: ضمانت اجرای کیفری شدیدترین ضمانت اجرای نقض حقوق اشخاص تحت نظر است.

ماده ۷ ق.آ.د.ک ۹۲، علاوه بر ضمانت اجرای کیفری، به ضمانت اجرای مدنی تصریح کرده است.<sup>۱</sup>

طبق ماده مزبور پلیس قضایی در صورت نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر در معرض دو نوع ضمانت اجرای مدنی و کیفری قرار خواهد گرفت:

• ضمانت اجرای مدنی: ماده فوق‌الذکر جبران خسارت‌های وارده به شخص تحت نظری که حقوق دفاعی او در فرایند تحقیقات پلیسی نقض شده است را به صراحت مورد حکم قرار داده است. ماده ۱۴ شخص تحت نظری که حقوق دفاعی او نقض شده و به واسطه این نقض حقوق، متحمل ضرر و زیان شده و مطالبه ضرر و زیان می‌کند را مستحق جبران تمامی اشکال ضرر و زیان‌های وارده دانسته است. این ضرر و زیان‌ها عبارت‌اند از: ضرر و زیان مادی اعم از مادی و جسمی، ضرر و زیان معنوی و منافع ممکن‌الحصول.

مقنن تعریف ضرر زیان مادی را از حیث روشنی مفهوم، بیان نکرده است؛ اما در باب مفهوم زیان معنوی که از طریق جبران خسارت مالی، عذرخواهی و درج حکم در

۱- ماده ۷ مقرر می‌دارد: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

جراید و مانند آن امکان پذیر دانسته است، مقرر می‌دارد: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید».

• ضمانت اجرای کیفری: ماده ۷ اخیرالذکر حداقل ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر را مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات ۸۱/۱۰/۱۱ اعلام کرده است. ماده ۵۷۰ اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

مجازات مزبور حداقل ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر از حیث سلب آزادی یا حقوق تصریح شده مقرر در قانون اساسی است؛ زیرا به موجب ماده ۷ در صورتی که نقض حقوق مزبور مستوجب مجازات شدیدتری باشد، همان مجازات باید مورد حکم قرار گیرد. به عنوان مثال طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی هرگاه پلیس قضایی برای این که شخص تحت نظر را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

۲- ضمانت اجرای انتظامی و بطلان: از حیث اهمیت رعایت حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، مقنن دو نوع دیگر ضمانت اجرای انتظامی و بطلان تحقیقات پلیسی را به لحاظ نقض حقوق مزبور مقرر داشته است.

• **ضمانت اجراهای انتظامی:** یکی از نوآوری‌های قانون دادرسی ۱۳۹۲، تعیین مصادیق تخلفات انتظامی پلیس قضایی در فرایند دادرسی کیفری از جمله تخلفات ناظر به نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر است. واکنش قانون‌گذار در قبال نقض حقوق دفاعی، مستند به ماده ۶۳ در هر یک از این مصادیق که ذیلاً بیان خواهد شد، محکومیت از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است. ناگفته نماند که تعیین یک نوع ضمانت اجرای انتظامی برای کلیه مصادیق تخلف که هر یک نسبت به دیگری می‌تواند از حیث آثار متفاوت باشد، قابل انتقاد است. مصادیق تخلف به شرح ذیل است:

- عدم اعلام مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن اشخاص به هر طریق ممکن ظرف یک ساعت به دادسرای محل؛
- عدم اجرای درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان او برای انجام معاینه پزشکی در خصوص گزارش موضوع به دادستان برای اتخاذ تصمیم؛
- عدم اعلام حقوق شخص تحت نظر به وی به صورت مکتوب و اخذ رسید و ضمیمه آن در پرونده؛
- عدم ثبت اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی، تاریخ و ساعت معرفی به قاضی و تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن در دفتر مخصوص؛
- عدم شماره‌گذاری اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده و مشخص نکردن تعداد اوراق در ارسال گزارش به مقام قضایی.

• **ضمانت اجرای بطلان:** بی‌اعتباری تحقیقات پلیسی به علت نقض موازین دادرسی منصفانه از جمله حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، در زمره ضمانت اجراها محسوب می‌شود و در صورت عنایت مقامات انتظامی و قضایی گامی بسیار مهم در حمایت از حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری است.

در ق.آ.د.ک ۹۲ به سه مصداق از ضمانت اجراهای نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر در تحقیقات پلیسی پرداخته شده است. این سه مصداق عبارت‌اند از:

- بطلان بازجویی‌ها؛ به صراحت ماده ۶۰ ق.آ.د.ک ۹۲، پاسخ شخص تحت نظر به

پرسش‌هایی که توأم با اجبار یا اکراه، کلمات موهن، تلقینی، اغفال‌کننده و خارج از موضوع اتهام، حتی اگر متضمن اقرار باشد، بی‌اعتبار است. همچنین عدم رعایت ضوابط تدوین بازجویی‌ها توسط پلیس قضایی به شرح ماده ۱۱۵ ق.ا.د.ک ۹۲ موجب بی‌اعتباری بازجویی‌های انجام‌شده خواهد بود.<sup>۱</sup>

- بطلان تحقیقات و اقدامات: در صورتی که پلیس قضایی فاقد کارت ویژه مربوط به ضابطان دادگستری باشد، تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از ناحیه وی خواه مربوط به حقوق اشخاص تحت‌نظر و غیره آن، از نظر قانون بدون اعتبار است.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحقیقات پلیسی رکن اساسی دادرسی کیفری و بازجویی اشخاص تحت‌نظر مرکز ثقل تحقیقات پلیسی است. قانون دادرسی کیفری ۹۲ نوآوری‌های قابل توجهی برای حقوق اشخاص تحت‌نظر در مرحله تحقیقات پلیسی مقرر داشته است. حقوق اشخاص تحت‌نظر که به‌منظور حمایت از حقوق و آزادی‌های مقرر در قانون اساسی برای افراد، به شرح مواد ۶۳-۲۸ قانون مزبور مقرر شده است، در صورت اجرای زیرساخت‌های لازم و آموزش مستمر ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی در تحقق

۱- ماده ۱۱۵ مقرر می‌دارد: «نوشتن بین سطور، قلم‌خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه گردد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و باز پرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضائی و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت قلم‌خوردگی جزئی موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده‌شده و به امضاء اشخاص فوق برسد.»

۲- ماده ۳۰ ق.ا.د.ک ۹۲: «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.»

تبصره ۱- دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزرای اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور و فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»



امنیت قضایی اشخاص نقش به‌سزایی خواهد داشت.

اصطلاح «شخص تحت نظر» برای اولین بار در قوانین دادرسی کیفری ایران مطرح شده است. حقوق قابل توجه آن در قانون مزبور از قبیل «حق داشتن وکیل» «حق معاینه پزشکی»، «حق بطلان اقرار ناشی از اجبار یا اکراه یا پرسش‌های همراه با استفاده از کلمات موهن و تلقینی و خارج از موضوع اتهام و نیز ضمانت اجراهای کیفری، مدنی، انتظامی و بطلان ناشی از حقوق وی در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. باین حال به قول آن ضرب‌المثل انگلیسی «عدالت آن چیزی نیست که در بیان آید، بلکه عدالت آن است که احساس شود»، امید نگارنده این است که به قول این ضرب‌المثل، اجرای حقوق اشخاص تحت نظر به منصفه اجرا درآید؛ زیرا اجرای این حقوق موجب اعتماد مردم به پلیس و دستگاه قضایی کشور و در نتیجه اجرای سیاست جنایی مشارکتی در بعد پلیسی و قضایی است.

پیشنهاد مشخص این مقاله از قوه قضائیه و نیروی انتظامی کشور، فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم و اجرای آموزش مستمر ضابطان دادگستری به‌عنوان مقدمه ضروری تحقق اجرای حقوق اشخاص تحت نظر است.

## منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، شناسایی آیین دادرسی کیفری، چاپ چهاردهم، هفت دفتر، انتشارات دور اندیشان، تهران، دفتر اول و دوم.
- امیر ارجمند، جمشید، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر (قسمت اول اسناد جهانی)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی،
- تدین، عباس (۱۳۹۱)، برگردان آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ دوم، انتشارات خرسندی، تهران.
- حکمت، سعید (۱۳۷۰)، روان‌پزشکی کیفری، تهران، انتشارات گوتنبرگ
- مؤذن زادگان (۱۳۷۳)، حسنعلی، حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، رساله دکتری، تربیت مدرس

- kadish, Sanford H, criminal Law its processes, tronto, 1975

-Prichard, Jhon, Guid to law, London, 1989

